



مقدمه ناشر

وقتی به لغت «جمع» فکر می‌کنید یاد چیا می‌افتید؟ احتمالاً قبل از همه یاد اون عمل ریاضی. خب، از همین جا شروع کنیم. اگه هزارتا سیب رو با هم جمع کنیم، چی می‌شه؟؟ می‌شه گفت هیچی! خب هزارتا سیب داریم دیگه و هر کدوم از این سیب‌ها چه کنار ۹۹۹ تا سیب دیگه باشه چه تنها باشه نه رنگش عوض می‌شه، نه طعمش، نه اندازه‌اش و نه هیچ ویژگی دیگه‌اش. اگر از اون جمع جداشه شکست عشقی نمی‌خوره! هزارتا مهره شطرنج چی؟ اگه کنار هم جمعشون کنیم ویژگی جدیدی پیدا نمی‌کنن؟ مثلاً آسب‌ها می‌گن حالا که تعدادمون زیاد شد دیگه مهره شطرنج نباشیم و بریم گل کوچیک بازی کنیم؟! فک نکنم!

اما اگه هزارتا آدم هم جمع شن چی؟ هر آدمی کنار ۹۹۹ تایی دیگه، همونیه که تو تنهایی خودشه؟ حتماً نه! جمع، حتی در ریاضی‌وارترین شکل خودش، وقتی موضوعش انسان باشه یه تفاوت اساسی پیدا می‌کنه. دیگه فقط یه عمل خشک ریاضی نیس، هویت پیدا می‌کنه، روح پیدا می‌کنه، قواعد و آداب پیدا می‌کنه و ...

آدمیزاد هر جا که پاش می‌رسه همه قوانین قبلی رو عوض می‌کنه. جناب «جمع» عزیز هم از این نوازش بی‌بهره نمونده. حالا چه باید کرد؟ قواعد جدیدی که به لطف ما آدم‌ها وارد مقوله «جمع» شده رو چه‌طور باید تدوین و تبیین و تشریح و تنظیم (و باقی کلمات بر وزن تفعیل!) کرد؟ به مدد علمی که به همین آدم‌ها مربوطه، علوم انسانی، جامعه‌شناسی پس این کتابو جدی‌تر بخون. تو به عنوان یک عالم علوم انسانی باید جمع انسانی رو، باید جامعه رو خوب بشناسی، تحلیلش کنی و برای بهتر شدنش راهکارهای درخشان ارائه بدی. منم این‌جا باید از یه جمع تلاشگر و باصفا تشکر کنم: مؤلفای حرفه‌ای و کاردرستمون خانم‌ها صالح‌نژاد و نعمتی که از جون و دل مایه گذاشتن، بچه‌های واحد تألیفمون خانم‌ها طاهری و آرانی و آقای سید سعید احمدپور و هم‌چنین از عزیزانمون تو واحد تولید که همه دست‌به‌دست هم دادن تا کتاب به بهترین شکل ممکن چاپ بشه.



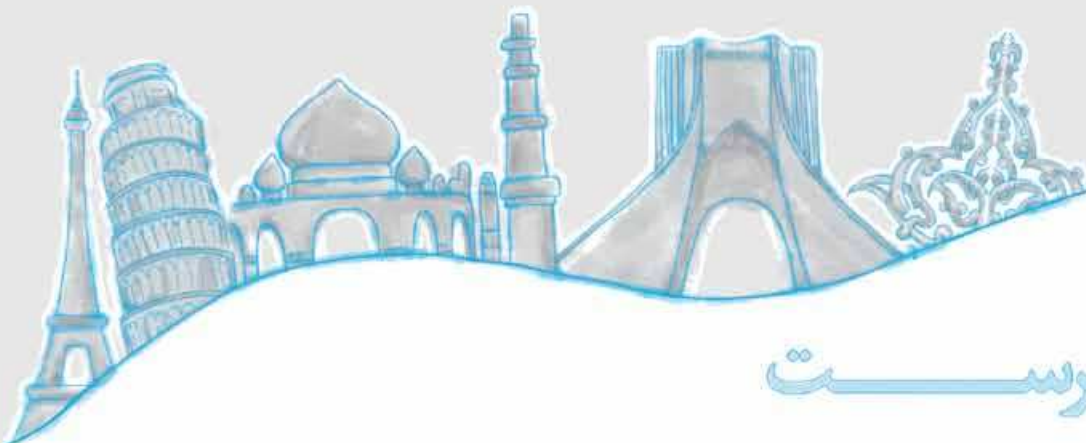
مقدمه مؤلفان

پیش از آن که بالارفتن از نردبان موفقیت را آغاز کنید، مطمئن شوید که نردبان را به ساختمان مناسبی تکیه داده‌اید. در هر مرحله‌ای از زندگی برای نیل به اهداف خود، نیاز به انگیزه، تلاش و پشتکار داریم. یکی از بزرگان جمله زیبایی داره با این مضمون که انگیزه مانند آتشیه در درون خود فرد. اگر فرد دیگری بخواد این آتش رو درون شما روشن کنه، شانس کمی برای شعله‌ور کردن اون داره. افراد با انگیزه موقع مواجهه با مشکلات و شکست‌ها، توقف نمی‌کنن و اجازه نمی‌دن محدودیت‌ها و کمبودها مانع رسیدن اونا به اهدافشون بشه. پس شرط اولین قدم اینه که انگیزه کافی برای درس خوندن داشته باشین. یادگیری مداوم هم حداقل شرط لازم برای موفقیت در هر زمینه‌ایه. استمرار در مطالعه و یادگیری، مطالب رو ملکه ذهن شما می‌کنه و اضطراب و استرس شب‌های امتحان و کنکور رو از شما دور می‌کنه. البته می‌دونین که یادگیری (نه حفظ کردن مطالب) نیاز به تلاش و پشتکار مداوم داره.

امسال برای شما از نظر تحصیلی، سال سرنوشت‌سازیه. در انتظار نتیجه ۱۲ سال مدرسه رفتن، اومدن و آموختن و امتحان دادن هستین. اولین توصیه در زمینه کسب نتیجه خوب اینه که کتابای درسی تون رو کامل و با دقت بخونین و در کنارش از کتابای کمک‌درسی استفاده کنین، نه برعکس. ما هم سعی کردیم تو این کتاب نردبون موفقیت شما باشیم.

توصیه می‌کنم همه بخش‌های کتاب، یعنی درس‌نامه، تست و پاسخ رو بخونی و موقع رسیدن به هیچ بخشی گزینه skip رو انتخاب نکنی! درس‌نامه‌ها کامل و جامع نوشته شدن، یعنی هیچ مطلبی از کتاب درسی که قابلیت طرح سؤال داشته باشه، از قلم نیفتاده! باور نداری؟! پیدا کن، جایزه بگیر! هر جا مطلب کتاب درسی مبهم بوده، توضیح بیشتری برای فهم مطلب ارائه شده و گاه این توضیحات با زبون خودمونی گفته شده تا بهتر توی ذهنت بشینه! هر جا هم لازم بوده مثال‌هایی خارج از کتاب درسی (البته نه خیلی هم خارج)، ذکر شده تا به ابعاد گسترده‌تری از موضوع توجه کنی! کتاب درسی جدول و نمودار زیادی نداره، اما توی این کتاب تا دلت بخواد جدول و نمودار هست؛ چون هر چی مطالب رو با طبقه‌بندی بیشتری به ذهنت بسپاری، بهتر می‌تونی اونا رو به یاد بیاری! از درس‌نامه که بگذریم، تست‌هایی توی این کتاب هست که با تست‌های کنکور مو نمی‌زنه! کاملاً مشابه و هم‌جنس! واسه هر طیف از دانش‌آموزا هم تست وجود داره؛ از دانش‌آموزی که تصمیم داره فقط تست‌های ساده کنکور رو پاسخ بده تا دانش‌آموزی که به کم‌تر از پاسخ‌دادن صددرصدی به تست‌های جامعه‌شناسی کنکور راضی نمی‌شه! خیلی از تست‌ها هم دام و تله داره واسه این که از خلال اونا نکته‌های تست‌زنی جدیدی یاد بگیری، پس نمی‌گم بیا توی تله نیفتی، چون تا نیفتی، مطلب جدید یاد نمی‌گیری! این جاست که پاسخ‌های تشریحی می‌تونن کلی بهت کمک کنه! پاسخ‌های تشریحی رو نه فقط به چشم پاسخ، بلکه به چشم یه جمع‌بندی و مرور سریع هم نگاه کن و ازشون ساده نگذر! پاسخ یکی دوتا درس رو که بخونی و ببینی چه قدر کامله، متوجه منظورم می‌شی!

دیگه عرایض بنده تموم شد و می‌تونن از شنبه شروع کنی!

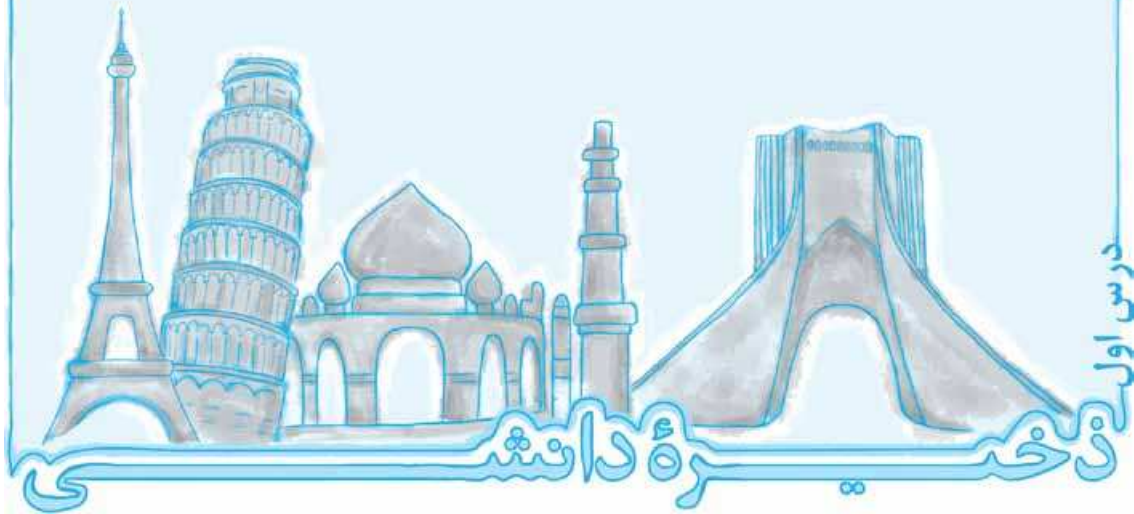


فهرست

تست‌ها	درس‌نامه	
۶۲	۸	درس اول: ذخیره دانشی
۶۵	۱۲	درس دوم: علوم اجتماعی
۶۸	۱۶	درس سوم: نظم اجتماعی
۷۱	۲۱	درس چهارم: کنش اجتماعی
۷۴	۲۵	درس پنجم: معنای زندگی
۷۷	۲۹	درس ششم: قدرت اجتماعی
۸۲	۳۷	درس هفتم: نابرابری اجتماعی
۸۹	۴۵	درس هشتم: سیاست هويت
۹۳	۵۱	درس نهم: پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام
۹۶	۵۶	درس دهم: افق علوم اجتماعی در جهان اسلام
۱۰۱		آزمون‌های جامع
۱۴۳		پاسخ‌نامه تشریحی
۱۸۱		پاسخ‌نامه کلیدی



درسنامه‌ها



ذخیره آگاهی (ذخیره دانشی)

آدمیزاد از همون ابتدای تولد، صداها رو می‌شنوه، اطراف خودش رو می‌بینه و به تدریج این توانایی رو پیدا می‌کنه که اشیا و افراد رو از همدیگه تشخیص بده! بعد از به مدت، با کلمات آشنا می‌شه و می‌تونه حرف بزنه و البته این حرف زدن به اتفاق مهم توی زندگی هر آدمی مسبب می‌شه؛ پون؛ با سخن گفتن، روند آگاه‌شدن انسان از جهان اطراف سرعتی شگرف می‌یابد؛ یعنی انسان تا قبل از این‌که بتواند سخن بگوید، تنها از راه حس (شنیدن، دیدن و ...)، جهان پیرامون خود را می‌فهمد و درک می‌کند، اما وقتی زبان به سخن می‌گشاید، راه جدیدی برای ارتباط با جهان و فهم آن، پیش رویش باز می‌شود.

از زمانی که انسان قادر به سخن گفتن می‌شود، دیگر به دریافت‌های حسی خویش بسنده نمی‌کند و برای شناخت جهان اطراف خود، از دانسته‌های دیگران نیز بهره می‌برد. پرسش و پاسخ از دیگران، راه دیگری برای فهم جهان هستی به روی او می‌گشاید؛ راهی که در میان موجودات دنیا، تنها برای آدمی گشوده شده است.



انسان‌ها معمولاً از شش سالگی به مدرسه می‌روند و در سنین مختلف، مقاطع متفاوت تحصیلی را پشت سر می‌گذارند و دانش‌هایی را با عناوین مختلف می‌آموزند؛ از همین رو:

«ذخیره آگاهی» یا «ذخیره دانشی» عبارت است از هر آنچه که افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی خود، مطالعات مدرسه‌ای، دانشگاهی و ... می‌آموزند. نکته هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی، یک ذخیره دانشی دارد که راهنمای زندگی آن‌هاست. این ذخیره دانشی که ارزش حرف زدیم، خودش دو تا بخش داره؛ یکی «دانش عمومی» و دیگری «دانش علمی»؛ که حالا توی بخش‌های بعدی قراره ببینیم هر کدومشون چه آگاهی‌هایی رو شامل می‌شن!

دانش عمومی

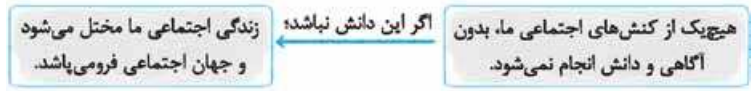
توی درس اول جامعه‌شناسی دهم فوندریم که به فعالیت‌های انسان (البته به جز فعالیت‌های فیزیولوژیک بدن؛ مثل تنفس یا ضربان قلب!)، «کنش» می‌گن و البته توی همون درس فوندریم که این کنش، ۴ تا ویژگی داره که اون رو از فعالیت‌های بقیه موجودات زنده متمایز می‌کنه! یارته اون ۴ تا ویژگی پیا پیا بودن؟! یکیش که این‌جا به کارمون میاد، «آگاهی»ه! یعنی ما نسبت به هر کاری که انجام می‌دیم، باید شناخت و آگاهی داشته باشیم و آگه این شناخت نباشه، اون فعالیت انجام نمی‌شه! مثلاً آگه من ندونم به دستگاه په‌پوری کار می‌کنه، فب نمی‌تونم ارزش استفاده کنم! به نظرت می‌تونم؟

کنش آدمی، وابسته به آگاهی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود؛ ولی ما اغلب از آگاهی و دانشی که نسبت به کنش‌های خود داریم و نیز از اهمیت و نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد، غافلیم؛ به این معنا که وقتی به کنش‌های روزمره خود (مانند راه رفتن، رانندگی، احوال‌پرسی، خرید و ...) دقت می‌کنیم، شاید در نگاه اول گمان کنیم:

- این کارها، بدون آگاهی و دانش خاصی انجام می‌شوند.
- دانشی که برای انجام این کارها داریم، اهمیت چندانی ندارد.

اما به مثال زیر دقت کن تا ببینی این‌طور نیست و پشت همین کارهای به ظاهر ساده روزمره هم کلی دانش و آگاهی نهفته‌اس!

مثال فرض کنید به پیشنهاد یک دوست به یک میهمانی دعوت شده‌اید که در آن، کسی را نمی‌شناسید. در چنین موقعیتی، دقت و احتیاط شما بیشتر می‌شود؛ یعنی پیش از انجام هر کاری فکر می‌کنید و حتی به این‌که چگونه راه بروید، چگونه حرف بزنید یا چگونه غذا بخورید، می‌اندیشید. این‌جاست که متوجه می‌شوید در راه رفتن، غذا خوردن و حرف زدن شما نیز آگاهی‌ها و دانش‌هایی وجود دارد که به سبب عادت، از نظر و توجه شما پنهان مانده است.



این دانش (یعنی همون آگاهی و دانشی که گفتیم لازمه کنش اجتماعی)، حاصل زندگی است؛ یعنی انسان‌ها آن را در طول زندگی خود به دست می‌آورند. حالا این‌که این‌ها منظور از زندگی، زندگی فردیه یا اجتماعی یا هر دو، در ادامه فوایم فوایم!

برای این که مفهوم دانش عمومی رو بهتر بفهمیم، لازمه مثال زیر رو با دقت بفونیم:

فردی را در نظر بگیرید که تصمیم می‌گیرد به تنهایی و بیرون از جامعه زندگی کند. چنین فردی در برخورد با موقعیت‌های بسیاری که از آن‌ها آگاهی ندارد، با مشکل مواجه می‌شود و نمی‌تواند کاری انجام دهد؛ اگر هم بخواهد برای انجام بسیاری از کارهای خود بیندیشد، زندگی برایش دشوار و پرزحمت می‌شود، چون کل روز رو باید بشینه فکر کنه بیینه چی کار کنه که بهتر باشه! تازه آگه به نتیجه برسه!

چنین فردی (یعنی فرد دور از جامعه)، برای انجام هر عملی، باید خودش فکر کند و آگاهی لازم برای انجام آن را به دست آورد؛ بنابراین:

الف اگر بتواند دانش درستی به دست آورد و عمل موردنظر را به صورت موفقیت آمیز انجام دهد، برای انجام آن در دفعات بعدی، از همان دانش قبلی استفاده می‌کند و به این ترتیب، آن عمل در دایره عادت قرار می‌گیرد. انجام عمل از روی عادت، باعث صرفه‌جویی در وقت و انرژی می‌شود و فرد می‌تواند ظرفیت ذهنی خود را به اندیشیدن درباره فعالیت‌های دیگری (که انجام آن‌ها نیز نیازمند آگاهی و دانش است)، اختصاص دهد و بدین ترتیب، بر میزان ذخیره دانشی خود بیفزاید. البته به سفتی دیگه! چون هی باید برای هر کاری خودش فکر کنه و کسی دور و برش نیست که ازش راهنمایی بگیره! — اگر پس از اندیشیدن، به آگاهی درستی دست پیدا نکنند و در انجام آن عمل با شکست مواجه شود، دوباره باید خودش تک و تنها بشینه فکر کنه بیینه راه درست چه؟! والا آیا به نتیجه برسه، آیا ترسه! این هوری کلی از زمان و انرژی رو هدر می‌ده و از کارهای دیگه هم باز می‌مونه!

مثال فیلم سینمایی «دورافتاده»، روایت فردی است که مجبور می‌شود به تنهایی در یک جزیره زندگی کند. او برای درست کردن آتش، ساعت‌ها وقت صرف می‌کند و برای کشیدن دندان خود، پس از روزها تلاش، مجبور می‌شود از ابزاری غیرمعارف استفاده کند!

پس می‌بینی آگه قرار باشه هر کدوم از ما به تنهایی و دور از جامعه زندگی کنیم، چه قدر زندگی برامون سفت می‌شه؟! اما فوشفتانه:

ما انسان‌ها، نه به تنهایی، بلکه با هم زندگی می‌کنیم؛ از این‌رو، مجبور نیستیم خودمان به تنهایی و جداگانه، دانش لازم برای تک‌تک کنش‌هایمان را تولید کنیم. راهت می‌تونیم از دیگرانی که اون کار رو انجام دادن، پرسیم و ما هم همون کار رو انجام بدیم! به همین سادگی!

ما انسان‌ها، با تولد و ورود به جهان اجتماعی، با دیگرانی که در آن جهان زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها، سهم و شریک می‌شویم که به این نوع از دانش، «دانش عمومی» گفته می‌شود.

به این دانش به این خاطر عمومی می‌گن که نه عمق زیادی داره و نه اختصاص به موضوع یا حوزه خاصی داره! اصطلاحاً «از هر دری، سفتی؛ اونم فقط یه ذره!» در حقیقت، دانش عمومی در برابر دانش اختصاصی (علمی) قرار داره که مربوط به یه موضوع و هیئت خاصه، اونم با عمق زیاد! این دومی رو یه کم بعدتر می‌فونیم!

درباره دانش عمومی بدانیم که:

1 جهان اجتماعی (جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم)، دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

2 دانش عمومی، گسترده‌ترین بخش ذخیره دانشی ماست.

3 ما درباره دانش عمومی، کم‌تر می‌اندیشیم و از آن بیشتر استفاده می‌کنیم و در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم.

دانش عمومی برای زندگی اجتماعی، همانند هوا برای بدن انسان است؛ انسان همواره از هوا استفاده می‌کند، اما در اغلب موارد، از اهمیت آن غافل است و ما هنگامی متوجه وجود هوا می‌شویم که در آن تغییری رخ دهد یا تنفس ما با مشکلی مواجه شود.

4 یادگیری دانش عمومی از لحظه تولد انسان آغاز می‌شود و تا پایان عمر او تداوم می‌یابد.

دانش علمی

دانش عمومی، بخشی از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد؛ اما ذخیره دانشی، بخش دیگری نیز دارد که با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به دست می‌آید. به این دانش عمیق‌تر و دقیق‌تر، «دانش علمی» می‌گویند.

مثال زبان، یک پدیده اجتماعی است. درباره این پدیده اجتماعی، هم دانش عمومی وجود دارد و هم دانش علمی. در خصوص زبان فارسی، دانش کاربران و سخنگویان این زبان (همین آدمای معمولی جامعه)، دانش عمومی است که آن را از اطرافیان خود فراگرفته‌اند، اما متخصصان زبان فارسی (یعنی زبان‌شناسان)، نسبت به این زبان، دانش علمی دارند که نتیجه مطالعات و خردورزی‌های بیشتر آنان در این زمینه است؛ مثلاً شاید خیلی از شما ندونن که کلمات فارسی مثل پیشنوار، سفارش و ... رو نباید با «ات» عربی جمع بست یا کاربرد تنوین عربی با کلمات فارسی مثل «دوم، فواش و ... درست نیست و در نتیجه توی مکالمات فودشون از این کلمات و عبارات نادرست استفاده کنن! چون اینا چیزایی هستن که به دانش علمی درباره زبان فارسی مربوطه؛ نه دانش عمومی! همه اون پیچی که تا این‌جا فونیم، فلاشش می‌شه بچول زیر:

دانش عمومی	یادگیری از طریق: زندگی در جامعه و تعامل با دیگران
دانش علمی	یادگیری از طریق: تأمل و اندیشه در دانش عمومی

کسی که دانش علمی دارد:

1 به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد.

2 آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده باشند، شناسایی می‌کند.

3 قدرت پیدا می‌کند تا از حقایق موجود در شناخت عمومی دفاع کند.



ساعت از قدیمی‌ترین ابداعات بشر است. انسان با استفاده از دانش زمان خود برای اندازه‌گیری، نشان دادن و نگهداری زمان، ابزارهایی مانند ساعت آبی، آفتابی، سنی و شمعی ساخته است. امروزه فناوری، انسان را قادر ساخته، ساعت‌های بسیار ظریف و دقیق الکترونیکی، کامپیوتری و حتی اتمی بسازد.

رشد و توسعه دانش علمی

دانش علمی از دو راه رشد و توسعه پیدا می‌کند:

۱ **تلاش‌های علمی عالمان** به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند.

۲ دانش علمی جامعه در تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند؛ یعنی هر وقت در جامعه، مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه لازم برای پیدایش و رشد دانش علمی نسبت به آن مسئله نیز فراهم می‌شود.

مثال ۱ کاهش یا افزایش بی‌رویه جمعیت در یک کشور می‌تواند زمینه فعالیت و رشد دانش جمعیت‌شناسی را فراهم سازد.

مثال ۲ بروز مسائل اقتصادی در یک جامعه می‌تواند زمینه رشد علم اقتصاد را فراهم کند.

اهمیت دانش علمی

انسان در زندگی اجتماعی همواره با مسائل و مشکلات زیادی مواجه می‌شود؛ مانند: ناامنی، ترافیک، اعتیاد، آلودگی هوا، بحران آب، بیکاری، فقر، نابرابری، قانون‌گریزی، خودکشی، بحران هویت، بحران اخلاقی، بحران آگاهی و ...

همه کسانی که از دانش عمومی برخوردارند، این مشکلات را می‌شناسند و برای حل برخی از آن‌ها راهکارهایی نیز پیشنهاد می‌دهند؛ اما افرادی که شناخت علمی در مورد این مسائل دارند، از شناختی دقیق‌تر برخوردارند و می‌توانند برای آن‌ها، راه‌حل‌های صحیح پیدا کنند.

منظور همون کارشناسی‌هاییه که همه ما توی همه مسائل انجام می‌دیم؛ اون هم بدون تفحص و دانش کافی! مثلاً ۱۰ میلیون ایرانی هستیم که درباره همه پی از دلایل تورم و نوسان نرخ ارز گرفته تا اشتباهات پزشکی و حتی نادروری توی فوتبال اظهار نظر می‌کنیم و راهکار ارائه می‌دیم! اما فب معلومه ما توی همه این زمینه‌ها فقط به ریزه دانش عمومی داریم که قطعاً برای حل همه این مسائل کافی نیست!

مسئله: تعارض دانش علمی و دانش عمومی

گاهی، بین دانش عمومی و دانش علمی یک جهان اجتماعی، تعارض‌هایی پدید می‌آید. اعضای اجتماعی برای حل این تعارض‌ها تلاش می‌کنند و در نتیجه، تعارض موجود به یکی از طرق زیر حل می‌شود:

۱ دست‌برد داشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر (یعنی یا دانشمندان و متفحصان در مقابل دانش عمومی توده مردم کم میارن و کوتاه میان؛ یا توده مردم به این نتیجه می‌رسن که توی حوزه‌ای که تفحص ندارند دقالت نکنن و کار رو به کاردون بسپرن!)

۲ طرح ایده‌های جدید



آبیاری کوزه‌ای از روش‌های سنتی آبیاری در مناطق خشک ایران بوده است. در این روش، کوزه‌های سفالی را پای گیاه در زیر خاک قرار می‌دادند. آب کم‌کم از جداره سفالی می‌تراوید و به خاک نفوذ می‌کرد. شیوه جدید، این روش آبیاری زیرسطحی با لوله‌های قطره‌چکان است.



پوشاک از نیازهای اولیه انسان بوده و صنعت نساجی از قدیمی‌ترین صنایع بشری است. به تدریج با پیشرفت صنعت، زمینه علمی شدن نساجی و شکل‌گیری مهندسی نساجی فراهم شد.

تعارض دانش علمی و دانش عمومی

جهان‌های اجتماعی مختلف، براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند.

مثال جهان متجدد، براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌داند و علوم عقلانی و وحیانی را علم حساب نمی‌کند. البته الان دیگه فود غریبا هم تا حدودی فهمیدن که این رویکرد پندار درست نیست، ولی به روی فودشون نمیارن!



بومی‌سازی دانش علمی

هر جامعه به دانشی نیاز دارد که:

۱ همسو با هویت فرهنگی و ناظر به حل مسائل همان جامعه باشد. (دانش مفید و کارآمد در حل مسائل و مشکلات بومی)

۲ دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و نادرست را داشته باشد. (به زبان و منطق جهان‌شمول سخن بگوید و در گشودن مرزهای دانش علمی به روی جهانیان مشارکت داشته باشد).

ایران ما هم از این قاعده مستثنا نیست؛ یعنی ما هم به دانشی نیاز داریم که اولاً همسو با هویت فرهنگی خودمان و ناظر به مسائل بومی جامعه ما باشد و ثانیاً با یک زبان و منطق جهان‌شمول بتواند در گشودن مرزهای دانش علمی ما به روی جهانیان مشارکت داشته باشد.

نکته ایدۀ علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) در کشور ما در همین راستا مطرح شده است. یعنی دانش علمی هر جامعه توی زمینه‌های مختلف، هم باید دغدغۀ کشف حقیقت رو داشته باشه و فودش رو از انواع و اقسام فطرها و ترفیها مرسوم نگه داره و هم باید با دانش عمومی و هویت فرهنگی همون جامعه سازگاری و مطابقت داشته باشه! مثلاً یکی از مفاهیم بنیادی توی علوم اجتماعی، انسانه! ما به عنوان یه جامعه مسلمان نمی‌تونیم علوم اجتماعی مون رو بر پایه مفهوم صرفاً دنیوی و این‌جهانی انسان (اومانیسیم غربی) سامان بدیم! به نظرت می‌تونیم؟!

تفاوت علوم، تفاوت در موضوع یا روش؟

وقتی درباره موضوعی، دانش علمی قابل توجهی فراهم می‌شود، علم ویژه‌ای شکل می‌گیرد. هر علمی درباره موضوعی خاص بحث می‌کند؛ از این‌رو علوم از نظر «موضوع» متفاوت‌اند. **مثال** «طبیعت»، موضوع علوم فیزیکی و «موجودات زنده» موضوع علوم زیستی هستند. در اوایل قرن بیستم میلادی، عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به جای «موضوع» علوم، بر «روش» علوم تأکید کردند. طرفداران این رویکرد:

- ۱ روش تجربی را تنها روش کسب علم می‌دانستند.
 - ۲ معتقد بودند که همه علوم باید از یک روش یعنی، روش تجربی استفاده کنند.
 - ۳ به تدریج به این برداشت دامن زدند که فقط «علم تجربی» علم است.
 - ۴ سایر علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیر علمی می‌دانستند.
 - ۵ علوم انسانی و اجتماعی را فقط در صورتی که از روش تجربی استفاده کنند، علم تلقی کردند.
- نکته** این رویکرد از نیمه دوم قرن بیستم با چالش‌های متعددی مواجه شد و کم‌کم در محافل علمی از رونق افتاد. یکی از این چالش‌ها علم ریاضی بود؛ علمی که فراتر از مشاهده و تجربه است و اگر تجربه برخلاف اصول اولیه آن باشد، ما تجربه خودمان را نادرست می‌دانیم نه آن‌چه علم ریاضی می‌گوید.

رابطه میان دانش عمومی و دانش علمی

حالا که با ویژگی‌های دانش عمومی و دانش علمی آشنا شدیم، وقتشه بریم ببینیم در فصول نوع رابطه این دو تا علم با هم، چه نظرات مختلفی وجود داره! در جدول زیر، سه دیدگاه درباره رابطه دانش عمومی و دانش علمی تشریح شده است:

نوع رابطه میان دانش عمومی و دانش علمی	نمودار	ویژگی‌ها
رابطه تباین (جدایی کامل «روش» دانش عمومی و دانش علمی از هم)		<p>در این دیدگاه:</p> <ul style="list-style-type: none"> ۱ تفاوت دانش علمی با دانش عمومی، در «روش» آن‌هاست؛ یعنی: <ul style="list-style-type: none"> ■ دانش علمی، تنها از راه حس و تجربه و به صورت نظام‌مند به دست می‌آید. ■ دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی افراد است که از راه جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به دست می‌آید. ۲ دانش علمی (تجربی)، راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر است و دانش عمومی در مقابل دانش علمی از ارزش ناچیزی برخوردار است. ۳ دانش علمی به منظور حفظ هویت خود، باید از ورود دانش عمومی به قلمرو علم جلوگیری کند.
رابطه عموم و خصوص مطلق (دانش عمومی: عام و پایه / دانش علمی: خاص)		<p>این دیدگاه (برخلاف رویکرد اول):</p> <ul style="list-style-type: none"> ۱ این تفکیک که دانش علمی، راه کشف واقعیت و دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی است، را انکار می‌کند و همه دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند. ۲ دانش‌ها را کشف و بازخوانی واقعیت نمی‌داند، بلکه آن‌ها را «بازسازی» واقعیت می‌پندارد که انسان‌ها برای سامان‌دادن به زندگی خود تولید می‌کنند. ۳ برتری دانش تجربی (علمی) را بر دانش حاصل از زندگی (عمومی) بی‌اعتبار می‌داند و برعکس، دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله دانش تجربی می‌پندارد. ۴ نکته در برخی از نحله‌های این دیدگاه، مرز دانش علمی و دانش عمومی فرو می‌پاشد.
رابطه عموم و خصوص من وجه (رابطه متقابل دانش عمومی و دانش علمی و تأثیر و تأثر آن‌ها بر هم)		<p>در این دیدگاه:</p> <ul style="list-style-type: none"> ۱ دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود، بلکه دانش‌های فراتجربی (مانند دانش‌های عقلمانی و وحیانی) را نیز شامل می‌شود که هر کدام ملاک سنجش و اعتباریابی خاص خود را دارد. ۲ دانش عمومی نیز دانش غیرمؤثق و نامعتبر نیست، بلکه کم‌وبیش در آن دانش‌های حقیقی و صحیح نیز وجود دارد. ۳ دانش علمی: <ul style="list-style-type: none"> ■ به دلیل امکان اعتباریابی، در مقایسه با دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است. ■ ضمن ریشه‌داشتن در دانش عمومی، امکان انتقاد از دانش عمومی و تصحیح آن را دارد. ۴ دانش عمومی و دانش علمی رابطه متقابل دارند؛ یعنی بر یکدیگر اثر می‌گذارند و از یکدیگر اثر می‌پذیرند و به مرور متناسب می‌شوند؛ از این‌رو هر دانش علمی، با هر دانش عمومی، سازگار نیست.

به نظرت، کتاب درسی از کدام یکی از این دیدگاه‌ها پیروی کرده؟! به نظر من که انگار با رویکرد سوم موافق تره! نظر تو چیه؟!



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱- کدام گزینه به درستی بیانگر مسیری است که انسان از ابتدا طی می‌کند تا به آگاهی گسترده و عمیقی از عالم و آدم برسد؟

- ۱) برای فهمیدن و شناخت جهان اطراف خود، از دانسته‌های دیگران بهره می‌برد و با تفکر و تعقل از دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌هایش فراتر می‌رود و در سنین بالاتر راهی دبیرستان، دانشگاه، حوزه علمیه و مراکز تخصصی دیگر می‌شود و دانش‌هایی را با عناوین مختلف علمی می‌آموزد.
- ۲) پرسش و پاسخ از دیگران، راهی برای فهم جهان هستی برای او می‌گشاید. انسان با تفکر و تعقل از دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌هایش نیز فراتر می‌رود؛ معنای پدیده‌های اطراف خود را درک می‌کند و به آگاهی گسترده و عمیق‌تری از عالم و آدم می‌رسد.
- ۳) انسان تا قبل از این‌که بتواند سخن بگوید، از راه حس می‌فهمد و وقتی زبان گشود، به دریافت‌های حسی خویش بسنده نمی‌کند و برای فهمیدن و شناخت جهان اطراف خود، از دانسته‌های دیگران نیز بهره می‌برد و با تفکر و تعقل معنای پدیده‌های اطراف خود را درک می‌کند و به آگاهی گسترده و عمیق‌تری از عالم و آدم می‌رسد.
- ۴) آدمی از همان ابتدای تولد صداهایی را می‌شنود، کم‌کم چشم بازمی‌کند، به تدریج اطراف خود را می‌بیند و به مرور اشیا و افراد را از هم تشخیص می‌دهد. بعد از مدتی با کلمات آشنا می‌شود و سخن می‌گوید و با سخن گفتن، روند آگاهی او از جهان اطرافش سرعتی شگرف می‌یابد.

۲- آن چه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی زندگی خود، مطالعات مدرسه‌ای و دانشگاهی می‌آموزند، یا آن‌ها را شکل می‌دهد. انسان‌ها با ورود به جهان اجتماعی با دیگرانی که در آن جهان زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شوند که به آن می‌گویند.

- ۱) دانش علمی - دانش عمومی - ذخیره دانشی
- ۲) ذخیره آگاهی - ذخیره دانشی - دانش عمومی
- ۳) دانش علمی - ذخیره دانشی - دانش عمومی
- ۴) ذخیره آگاهی - دانش عمومی - ذخیره دانشی

۳- کدام گزینه در رابطه با تأثیر و کاربرد دانش علمی یا دانش عمومی در زندگی انسان درست است؟

- ۱) تلاش‌های علمی عالمان به تدریج بر ذخیره دانش عمومی جامعه می‌افزاید و دانش علمی را غنی‌تر می‌کند.
- ۲) دانش علمی جامعه در تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی رشد و توسعه پیدا می‌کند؛ یعنی هر وقت در جامعه مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه لازم برای پیدایش و رشد دانش عمومی نسبت به آن مسئله نیز فراهم می‌شود.
- ۳) افرادی که شناخت عمومی نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی دارند، به شناخت دقیق علمی مشکلات زندگی اجتماعی می‌پردازند و می‌کوشند راه‌حل‌های صحیح برای حل آن‌ها را شناسایی کنند.
- ۴) بسیاری از مشکلات اجتماعی را همه کسانی که از دانش عمومی جامعه برخوردارند، می‌شناسند و برای حل برخی از آن‌ها راه‌حل‌هایی پیشنهاد می‌دهند.

۴- به ترتیب، عبارت‌های زیر مربوط به کدام مفاهیم هستند؟

- گسترده‌ترین بخش ذخیره دانشی انسان
- دانش لازم برای زندگی اجتماعی را در اختیار انسان قرار می‌دهد.
- تلقی جهان متجدد از علم در اوایل قرن بیستم

- ۱) دانش عمومی - دانشمندان و نهادهای علمی - دانش علمی را محدود و منحصر به دانش تجربی و عقلی می‌داند.
- ۲) دانش علمی - جهان اجتماعی - روش‌های تجربی، عقلانی و وحیانی را معتبر می‌داند.
- ۳) دانش عمومی - جهان اجتماعی - فقط علم تجربی را دانش علمی می‌دانست.
- ۴) دانش علمی - دانشمندان و نهادهای علمی - دانش عقلانی و وحیانی را معتبر نمی‌داند.

۵- به ترتیب، هر یک از موارد زیر به چه نتایجی منجر می‌شود؟

- فقدان دانش حاصل از زندگی
- تلاش‌های علمی عالمان

- سرایت رویکرد جهان متجدد از علم در جوامعی که علاوه بر علوم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند.

- ۱) فروپاشی جهان اجتماعی - افزایش ذخیره دانش علمی جامعه - قطع ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی در این جوامع
- ۲) مختل شدن زندگی اجتماعی - غنی سازی دانش عمومی - بازماندن دانش عمومی از رشد و رونق لازم
- ۳) انجام نشدن کنش‌های اجتماعی - شناسایی راه‌حل‌های صحیح حل مشکلات جامعه - طرح ایده‌های جدید
- ۴) عدم شکل‌گیری فرهنگ یا آگاهی مشترک در جامعه - افزایش ذخیره دانش عمومی جامعه - از دست دادن توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش علمی توسط دانش عمومی

۶- به ترتیب، مصادیق «الف»، «ب» و «پ» کدام است؟

ویژگی	دانش‌ها
در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم	«ب»
به سبب عادت، ممکن است از نظر ما پنهان بماند.	«پ»

- ۱) حاصل خردورزی و کاوش‌های عقلی است. - دانش علمی - دانش حاصل از زندگی
- ۲) درباره آن، کم‌تر می‌اندیشیم و بیشتر استفاده می‌کنیم. - دانش عمومی - دانش علمی
- ۳) همانند هوا برای بدن انسان است. - دانش عمومی - دانش علمی
- ۴) قدرت دفاع از حقایق موجود در شناخت عمومی را دارد. - دانش عمومی - دانش حاصل از زندگی

۷- عبارتهای زیر را به ترتیب از جهت صحیح یا غلط بودن مشخص کنید.

- هر آن چه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی زندگی خود، مطالعات مدرسه‌ای، دانشگاهی و ... می‌آموزند، ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی آن‌ها را شکل می‌دهد.
- کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود، ولی ما همواره از آگاهی و دانشی که نسبت به کنش‌های خود داریم و از اهمیت و نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد، غافلیم.
- ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی با دیگرانی که در همان جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم. این نوع از دانش را دانش علمی می‌گویند.

- دانش علمی جامعه با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند؛ یعنی هر وقت در یک جامعه مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه لازم برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن مسئله نیز فراهم می‌گردد.

- (۱) غ - ص - غ - ص
- (۲) ص - غ - غ - ص
- (۳) غ - ص - ص - غ
- (۴) ص - ص - غ - غ

۸- کدام گزینه در رابطه با «توانایی‌های کسی که دارای دانش علمی است» درست نیست؟

- (۱) آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده باشند، شناسایی می‌کند.
- (۲) قدرت دفاع از حقایق موجود در شناخت عمومی را پیدا می‌کند.
- (۳) به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد.
- (۴) دانش عمومی را در اختیار افراد جامعه قرار داده و آن را غنی می‌سازد.

۹- به ترتیب، کدام عبارت در مورد شناخت عمومی درست نیست، اما در رابطه با شناخت علمی درست است؟

- (۱) دانش عمومی، گسترده‌ترین بخش از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد. - دانش علمی با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به دست می‌آید.
- (۲) ما درباره دانش عمومی، هم بیشتر می‌اندیشیم و هم بیشتر از آن استفاده می‌کنیم. - کسی که دارای دانش علمی است، اشکالاتی که به شناخت عمومی راه پیدا کرده باشند، را شناسایی می‌کند.

- (۳) دانش عمومی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد. - دانش علمی گسترده‌ترین بخش از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد.
- (۴) جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم، دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد. - ما در تعامل با یکدیگر، دانش علمی را به کار می‌بریم.

۱۰- کدام گزینه سیر و روند افزایش ذخیره دانشی فردی را که به تنهایی و بیرون از جامعه زندگی می‌کند، به درستی نشان می‌دهد؟

- (۱) تفکر درباره انجام یک عمل ← کسب آگاهی ← عمل موفقیت‌آمیز ← استفاده از دانش قبلی برای انجام آن عمل در دفعات بعدی ← قرار گرفتن آن عمل در دایره عادت او ← افزایش ذخیره دانشی او
- (۲) مواجه شدن با مشکلات در موقعیت‌های مختلف ← استفاده از دانش قبلی برای حل مشکلات ← صرفه‌جویی در وقت و انرژی ← به‌کارگیری ظرفیت ذهنی در فعالیت‌های دیگر ← افزایش ذخیره دانشی او
- (۳) مواجه شدن با موقعیت‌های جدید ← خطا و آزمایش ← تولید دانش برای همه کنش‌هایش ← سازگاری با موقعیت جدید ← به‌کارگیری ظرفیت ذهنی در فعالیت‌های دیگر ← افزایش ذخیره دانشی او
- (۴) کسب شناخت و آگاهی نسبت به محیط پیرامون خود ← کسب تجربه ← به‌کارگیری تجربه ← مواجه شدن با موقعیت‌های جدید ← استفاده از دانش قبلی ← افزایش ذخیره دانشی او

۱۱- اگر رویکرد جهان متجدد از علم به جوامع دیگری که علاوه بر علوم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند سرایت کند، تعارضاتی

را در ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد. کدام گزینه مربوط به پیامدهای این تعارضات نیست؟

- (۱) ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی گسسته می‌شود.
- (۲) دانش علمی از رشد و رونق لازم بازمی‌ماند.
- (۳) دانش علمی دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.
- (۴) دانش عمومی گستره بیشتری از ذخیره دانشی آن جوامع را تشکیل می‌دهد.

۱۲- هر یک از موارد زیر با چه موضوعی مرتبط است؟

- راهنمای زندگی هر فرد، گروه یا جامعه
- مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌هایی که با ورود به جهان اجتماعی با دیگران در آن سهیم می‌شویم.

- یکی از راه‌های رفع تعارض میان دانش علمی و دانش عمومی

- (۱) ذخیره آگاهی - دانش علمی - تغییر دانش عمومی
- (۲) دانش علمی - دانش عمومی - اصلاح دانش علمی
- (۳) ذخیره دانشی - دانش عمومی - دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر
- (۴) دانش عمومی - دانش علمی - طرح ایده‌های جدید

۱۳- یکی از عوامل ایجاد تعارض در ذخیره دانشی جوامع غیرمتجدد چیست؟

- ۱) این جوامع، دانش‌های تجربی، عقلی و وحیانی را معتبر نمی‌دانند؛ به همین دلیل در مواجهه با جوامعی که این دانش‌ها را معتبر قلمداد می‌کنند، دچار تعارض در ذخیره دانشی خود می‌شوند.
 - ۲) جهان متجدد، دانش علمی را محدود به دانش تجربی می‌دانست و سایر روش‌های عقلانی و وحیانی را از دایره علم بیرون می‌راند. سرایت این دیدگاه به جوامعی که علاوه بر علوم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند، تعارضاتی را در ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد.
 - ۳) در این جوامع، دانش علمی متناسب با دانش عمومی نیست و چون قادر به رفع این ناسازگاری نیستند، در ذخیره دانشی آن‌ها تعارض ایجاد می‌شود.
 - ۴) از یک سو دانش عمومی این جوامع در برابر دانش علمی مقاومت کرده و از سوی دیگر، دانش علمی جوامع متجدد، تأثیرات بسیاری بر زندگی اجتماعی مردم جوامع دیگر می‌گذارد و تعارضاتی را در ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد.
- ۱۴- گاهی در جامعه، بین دانش عمومی و دانش علمی تعارضاتی پدید می‌آید. اعضای جامعه برای حل این تعارضات، تلاش می‌کنند. حل تعارضات گاه با و گاه با انجام می‌شود.**

- ۱) دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر - طرح ایده‌های جدید
 - ۲) اصلاح دانش عمومی جامعه - نفی و رد دانش علمی
 - ۳) مقاومت دانش عمومی در برابر دانش علمی - پذیرفتن دانش علمی توسط افراد جامعه
 - ۴) نادیده گرفتن دانش عمومی - اصلاح دانش عمومی جامعه
- ۱۵- در اوایل قرن بیستم میلادی، کسانی که به جای «موضوع» علوم بر «روش» علوم تأکید می‌کردند، کدام دانش‌ها را غیرعلمی و کدام دانش‌ها را علمی می‌دانستند؟**

- ۱) دانش‌هایی را که با تجربه قابل اثبات نبود، غیرعلمی و دانش‌هایی مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را علمی می‌دانستند.
 - ۲) دانش‌هایی را که فقط با روش حسی و تجربی به دست می‌آمدند، غیرعلمی و دانش‌هایی را که از طریق عقلی و وحیانی قابل اثبات بود، علمی می‌دانستند.
 - ۳) علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی می‌نامیدند و فقط دانش‌هایی را که با تجربه قابل اثبات باشد، علمی می‌دانستند.
 - ۴) دانش‌هایی مانند ریاضی و علوم طبیعی را غیرعلمی و علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را علمی می‌دانستند.
- ۱۶- کدام عبارت در رابطه با «ایده علوم انسانی و اجتماعی بومی» صحیح نیست، اما در مورد «رویکردی که در اوایل قرن بیستم پیرامون علم در جهان غرب شکل گرفت» درست است؟**

- ۱) شکل‌گیری دانشی که در گشودن مرزهای علمی به روی مسلمانان مشارکت داشته باشد - آنان سایر علوم مانند فلسفه و اخلاق را علمی می‌دانستند.
 - ۲) خواهان دانشی است که همسو با هویت فرهنگی ایرانی و اسلامی باشد - علوم انسانی و اجتماعی را فقط در صورتی که از روش تجربی استفاده کنند، علم تلقی می‌کردند.
 - ۳) خواهان دانشی است که در حل مسائل و مشکلات بومی ما مفید و کارآمد باشد - به جای موضوع بر روش علوم تأکید می‌کردند.
 - ۴) شکل‌گیری دانشی که به زبان و منطق توحیدی سخن بگوید - آن‌ها روش تجربی را تنها روش کسب علم می‌دانستند.
- ۱۷- به ترتیب، هر یک از عبارات‌های زیر با کدام دیدگاه ارتباط دارد؟**
- دانش‌ها بازسازی واقعیت هستند.
- هر دانش علمی با هر دانش عمومی سازگار نیست.

- ۱) کسانی که معتقدند دانش عمومی، دانشی غیرموتق و نامعتبر نیست - دیدگاهی که برتری دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌داند - رویکردی که تفاوت دانش علمی با دانش عمومی را در روش آن‌ها می‌داند.
- ۲) کسانی که معتقدند دانش علمی به دلیل امکان اعتباریابی، نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است - دیدگاهی که در برخی از نحله‌های آن، مرز دانش علمی و دانش عمومی فرو می‌پاشد. - رویکردی که در آن، دانش علمی به دانش تجربی محدود می‌شود.
- ۳) دیدگاهی که همه دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند - کسانی که معتقدند دانش علمی تنها از راه حس و تجربه و به صورت نظام‌مند به دست می‌آید - دیدگاهی که دانش علمی را به دانش تجربی محدود نمی‌کند.
- ۴) رویکردی که دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانشی می‌داند - کسانی که معتقدند دانش عمومی در مقابل دانش علمی از ارزش ناچیزی برخوردار است - رویکرد کسانی که معتقدند دانش علمی برای حفظ هویت خود باید از ورود دانش عمومی به قلمرو علم جلوگیری کند.

۱۸- با توجه به دیدگاه‌های مختلف درباره نسبت میان دانش عمومی و دانش علمی، در کدام گزینه همه عبارت‌ها با تصویر تناسب دارند؟

- ۱) دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود - دانش عمومی پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله دانش تجربی است - دانش علمی ضمن ریشه‌داشتن در دانش عمومی، امکان انتقاد از این دانش و تصحیح آن را دارد.
- ۲) همه دانش‌ها، دانش حاصل از زندگی هستند - دانش‌ها کشف و بازخوانی واقعیت نیستند بلکه بازسازی واقعیت‌اند - دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی برتری ندارد.
- ۳) مرز دانش علمی و دانش عمومی فرو می‌پاشد - دانش علمی برای حفظ هویت خود باید از ورود دانش عمومی به قلمرو علم جلوگیری کند - دانش علمی نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است.
- ۴) هر دانش علمی با هر دانش عمومی سازگار نیست - دانش عمومی در مقابل دانش علمی از ارزش ناچیزی برخوردار است - دانش عمومی پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله دانش تجربی است.



- ۱۹- با توجه به رویکردهای مختلف دربارهٔ نسبت میان دانش علمی و دانش عمومی، به ترتیب در کدام دیدگاه‌ها «به دانش‌های عقلانی و وحیانی توجه می‌شود»، «گاهی مرز دانش علمی و دانش عمومی فرو می‌باشد» و «دانش عمومی و دانش علمی رابطهٔ متقابل دارند»؟
- (۱) دیدگاه سوم - دیدگاه دوم - دیدگاه سوم
(۲) دیدگاه دوم - دیدگاه سوم - دیدگاه اول
(۳) دیدگاه دوم - دیدگاه اول - دیدگاه سوم
(۴) دیدگاه سوم - دیدگاه اول - دیدگاه اول

۲۰- به ترتیب در کدام دیدگاه‌ها به موارد زیر توجه می‌شود؟

- دانش‌های فراطبیعی - جلوگیری از ورود دانش عمومی به قلمرو علم - بازسازی واقعیت از طریق دانش‌ها
دیدگاه‌هایی که:

- (۱) اعتقاد دارند دانش‌های عقلانی و وحیانی نیز دانش علمی محسوب می‌شوند - همهٔ دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌دانند - معتقدند دانش حاصل از زندگی از طریق فرهنگ‌پذیری حاصل می‌شود.
(۲) دانش عمومی را غیرموقت و نامعتبر نمی‌دانند - دانش علمی تجربی را راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر می‌دانند - همهٔ دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌دانند.
(۳) برتری دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌دانند - مرز میان دانش عمومی و دانش علمی را از بین می‌برند - تفاوت دانش علمی با دانش عمومی را در روش آن‌ها می‌دانند.
(۴) معتقدند کم‌وبیش در دانش عمومی، دانش‌های حقیقی و صحیح نیز وجود دارد - دانش علمی را نسبت به دانش عمومی معتبرتر می‌دانند - معتقدند دانش علمی تنها از راه حس و تجربه و به صورت نظام‌مند به دست می‌آید.
- ۲۱- با توجه به دیدگاه‌های سه‌گانه دربارهٔ نسبت میان دانش عمومی و دانش علمی، به ترتیب هر یک از موارد زیر با چه موضوعی مرتبط است؟
- تفکیک میان دانش علمی و دانش عمومی
- دانش علمی جزئی از دانش عمومی

- مرز مشترک میان دانش علمی و دانش عمومی

- (۱) کشف و بازخوانی واقعیت‌ها از طریق دانش علمی - امکان اعتباریابی دانش علمی - بازسازی واقعیت‌ها از طریق دانش‌های مختلف
(۲) توجه به دانش عمومی به عنوان پایهٔ همهٔ دانش‌ها - امکان نقد دانش عمومی توسط دانش علمی - تأثیر متقابل دانش عمومی و دانش علمی بر یکدیگر
(۳) تناسب هر دانش علمی با هر دانش عمومی - رابطهٔ متقابل دانش عمومی و دانش علمی - همهٔ دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی دانستن
(۴) محدودکردن علم به علوم تجربی - بی‌اعتبار دانستن برتری دانش تجربی بر دانش عمومی - معتبردانستن دانش عمومی

(سراسری ۹۸)

۲۲- در تعارض میان دانش عمومی و دانش علمی، چه اقداماتی صورت می‌گیرد؟

- (۱) کسانی که دانش علمی دارند با درک عمیقی که از شناخت عمومی دارند، آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده شناسایی و راه‌حل ارائه می‌دهند.
(۲) همهٔ کسانی که از دانش عمومی برخوردارند این تعارض‌ها را شناسایی می‌کنند، اما افرادی که دربارهٔ این مسائل شناخت دقیق‌تری دارند می‌توانند راه‌حل‌های صحیح ارائه کنند.
(۳) اعضای جامعه برای حل این تعارض‌ها تلاش می‌کنند. حل تعارض‌ها گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیرهٔ دانشی به نفع بخشی دیگر و گاه با طرح ایده‌های جدید انجام می‌شود.
(۴) در چنین شرایطی، ارتباط دوسویه میان دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود، دانش علمی از رشد و رونق بازمی‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مسائل دانش عمومی را از دست می‌دهد.

(شارج کشور ۹۸)

۲۳- عبارت درست در رابطه با «دانش علمی» و «دانش عمومی» کدام است؟

- (۱) دانش عمومی با تأمل و اندیشه در دانش علمی به دست می‌آید - کسی که دانش علمی دارد، به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد.
(۲) کسی که دانش علمی دارد، آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده باشند، شناسایی می‌کند - دانش عمومی گسترده‌ترین بخش ذخیرهٔ دانشی ماست.
(۳) جهان‌های اجتماعی مختلف براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف یکسانی از دانش علمی دارند - افرادی که دربارهٔ مسائل اجتماعی شناخت عمومی دارند از شناختی دقیق برخوردارند.
(۴) دارا بودن شناخت عمومی موجب می‌شود شخص قدرت پیدا کند که از حقایق موجود در شناخت علمی دفاع کند - با تولد و ورود به جهان اجتماعی، در دانش عمومی با دیگران سهیم می‌شویم.

دست‌های علمی اجتماعی

درس دوم

- ۲۴- عبارتهای کدام گزینه به ترتیب در رابطه با تفاوت کنش‌های انسانی و پدیده‌های طبیعی درست است اما در مورد فلسفه یا متافیزیک درست نیست؟
- (۱) شناخت کنش‌های انسانی، بدون فهم هدف و معنای آن ممکن نیست، اما پدیده‌های طبیعی مستقل از ارادهٔ انسان‌ها و اهداف و معانی موردنظر آن‌ها، وجود دارند - فلسفه به موجودی خاص مانند موجودات طبیعی، انسانی و اجتماعی می‌پردازد.
(۲) پدیده‌های طبیعی مستقل از اهداف و اغراض انسان هستند، اما کنش‌های انسانی به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته هستند - فلسفه نه جزء علوم طبیعی است و نه جزء علوم انسانی و اجتماعی، بلکه دانشی مستقل است.
(۳) علوم انسانی به کنش‌های انسانی از جمله سلامتی و بیماری بدن انسان می‌پردازد، اما قوانین طبیعت و پدیده‌های طبیعی در علوم طبیعی مورد بحث قرار می‌گیرند - قوانین فلسفه مخصوص موجودات طبیعی و اجتماعی است.
(۴) شناخت پدیده‌های طبیعی به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته هستند، اما کنش‌های انسانی مستقل از اراده و اهداف انسان‌ها هستند - فلسفه قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند.



پاسخ نامه

۱- گزینه «۳» فهمیدن از طریق حواس ← استفاده از زبان ← بهره‌بردن از دانسته‌های دیگران ← تفکر و تعقل ← درک معنای پدیده‌های اطراف خود ← آگاهی گسترده و عمیق از عالم و آدم
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه‌های دیگر ناقص هستند و فقط بخشی از مسیر را بیان می‌کنند.

۲- گزینه «۲» هر آنچه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی زندگی خود، مطالعات مدرسه‌ای و دانشگاهی می‌آموزند، ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی آن‌ها را شکل می‌دهد. ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی با دیگرانی که در آن جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم که به آن دانش عمومی می‌گویند.

۳- گزینه «۴» **بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): تلاش‌های علمی عالمان به تدریج بر ذخیره دانش علمی (نه عمومی) جامعه می‌افزاید و دانش عمومی (نه علمی) را غنی‌تر می‌کند.
 گزینه (۲): دانش علمی جامعه با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند؛ یعنی هر وقت در یک جامعه مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه لازم برای پیدایش و رشد دانش علمی (نه عمومی) نسبت به آن مسئله نیز فراهم می‌شود.

گزینه (۳): افرادی که شناخت علمی (نه عمومی) نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی دارند به شناخت دقیق علمی مشکلات زندگی اجتماعی می‌پردازند و می‌کوشند تا راهکارهای صحیح برای حل آن‌ها را شناسایی کنند.

۴- گزینه «۳» دانش عمومی، گسترده‌ترین بخش از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد.

جهان اجتماعی (جامعه و فرهنگی) که در آن زندگی می‌کنیم، دانش زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

جهان متجدد بر اساس هویت دنیوی خود، در اوایل قرن بیستم فقط علم تجربی را دانش علمی می‌دانست و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کرد.

۵- گزینه «۱» هیچ‌یک از کنش‌های اجتماعی ما بدون آگاهی و دانش انجام نمی‌شود. اگر این دانش نباشد، زندگی اجتماعی ما مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرومی‌پاشد. این دانش، دانش حاصل از زندگی است و انسان‌ها آن را در طول زندگی خود به دست می‌آورند.

تلاش‌های علمی عالمان به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند.

اگر تلقی جهان متجدد از علم در جوامع دیگری که روش‌های تجربی، عقلانی و وحیانی را معتبر می‌دانند، رسوخ کند، تعارضاتی را در ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود. دانش علمی از رشد و رونق لازم بازمی‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.

۶- گزینه «۴»

ویژگی	دانش‌ها
(ب) دانش عمومی (دانش حاصل از زندگی) در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم.	دانش علمی
(الف) قدرت دفاع از حقایق موجود در شناخت عمومی را دارد.	(پ) دانش عمومی (دانش حاصل از زندگی)
به سبب عادت، ممکن است از نظر ما پنهان بماند.	

۷- گزینه «۲» عبارت دوم نادرست است؛ کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود، ولی ما اغلب (نه همواره) از آگاهی و دانشی که نسبت به کنش‌های خود داریم و از اهمیت و نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد، غافلیم.

عبارت سوم نادرست است؛ ما انسان‌ها با ورود به جهان اجتماعی با دیگرانی که در آن جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم. این نوع از دانش را دانش عمومی (نه علمی) می‌گویند.

۸- گزینه «۴» جهان اجتماعی، دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد و دانشمندان آن را غنی می‌سازند.

۹- گزینه «۲» ما درباره دانش عمومی، کم‌تر (نه بیشتر) می‌اندیشیم و بیشتر از آن استفاده می‌کنیم.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): درست - درست / گزینه (۳): نادرست - نادرست؛ دانش علمی (نه عمومی) با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد. دانش عمومی (نه علمی) گسترده‌ترین بخش از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد. / گزینه (۴): درست - نادرست؛ ما در تعامل با یکدیگر، دانش عمومی (نه علمی) را به کار می‌بریم.

۱۰- گزینه «۱» فردی که به تپهایی و دور از جامعه زندگی می‌کند، وقتی برای انجام عملی، فکر می‌کند (۱) و آگاهی لازم برای انجام آن را به دست می‌آورد (۲)، در صورتی که آن عمل موفقیت‌آمیز باشد (۳)، برای انجام آن در دفعات بعدی از همان دانش قبلی استفاده می‌کند (۴) و آن عمل در دایره عادت او قرار می‌گیرد. (۵) بدین ترتیب در وقت و انرژی او صرفه‌جویی می‌شود و ظرفیت ذهنی‌اش را در فعالیت‌های دیگری که باید برای آن‌ها بیندیشد، به کار می‌گیرد و بدین ترتیب به سختی ذخیره دانشی او افزوده می‌شود. (۶)

۱۱- گزینه «۴» اگر رویکرد جهان متجدد از علم در جوامع دیگری که علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند، سرایت کند، تعارضاتی را در ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد.

در چنین شرایطی: الف- ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود. ب- دانش علمی از رشد و رونق لازم بازمی‌ماند. پ- دانش علمی دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.

۱۲- گزینه «۳» هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی یک ذخیره دانشی دارند که راهنمای زندگی آن‌هاست.

ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی با دیگرانی که در آن جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم. این نوع از دانش را «دانش عمومی» می‌گویند.

گاهی در جامعه، بین «دانش عمومی» و «دانش علمی» تعارضاتی پدید می‌آید. اعضای جامعه برای حل این تعارضات تلاش می‌کنند. حل تعارضات گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاهی با طرح ایده‌های جدید و ... انجام می‌شود.

۱۳- گزینه «۲» جهان متجدد، دانش علمی را محدود به دانش تجربی می‌دانست و سایر روش‌های عقلانی و وحیانی را از دایره علم بیرون می‌راند. سرایت این دیدگاه به جوامعی که روش‌های تجربی، عقلانی و وحیانی را معتبر می‌دانند، تعارضاتی را در ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد.

۱۴- گزینه «۱» گاهی در جامعه، بین دانش عمومی و دانش علمی تعارضاتی پدید می‌آید. اعضای جامعه برای حل این تعارضات تلاش می‌کنند. حل تعارضات گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاه با طرح ایده‌های جدید و ... انجام می‌شود.

۱۵- گزینه «۳» در اوایل قرن بیستم میلادی عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به جای «موضوع» علوم بر «روش» علوم تأکید کردند. آن‌ها روش تجربی را تنها روش کسب علم دانستند و گفتند که همه علوم باید از یک روش یعنی روش تجربی استفاده کنند. آن‌ها با این گفته به تدریج به این برداشت دامن زدند که فقط علم تجربی علم است. آنان سایر علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی دانستند و علوم انسانی و اجتماعی را فقط در صورتی که از روش تجربی استفاده کند، علم تلقی کردند.

۱۶- گزینه «۴» ایده علوم انسانی و اجتماعی بومی (ایرانی و اسلامی)، خواهان دانشی است که: الف- همسو با هویت فرهنگی خودمان و ناظر به حل مسائل جامعه باشد. ب- دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و غلط داشته باشد. پ- در حل مسائل و مشکلات بومی ما مفید

و کارآمد باشد. / **ب** به زبان و منطق جهان‌شمول (نه توحیدی) سخن بگوید. / **د** در گشودن مرزهای دانش علمی به روی جهانیان مشارکت داشته باشد.

در اوایل قرن بیستم میلادی عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که:

الف به جای «موضوع» بر «روش» علوم تأکید کردند. / **ب** آن‌ها روش تجربی را تنها روش کسب علوم دانستند و گفتند همه علوم باید از یک روش یعنی روش تجربی استفاده کنند. / **پ** آنان سایر علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی دانستند. / **ت** معتقد بودند علوم انسانی و اجتماعی فقط در صورتی که از روش تجربی استفاده کنند، علم تلقی می‌شوند.

۱۷- گزینه «۳» سه دیدگاه پیرامون رابطه دانش عمومی و دانش علمی وجود دارد:

ویژگی‌های دیدگاه اول: **الف** تفاوت دانش علمی با دانش عمومی در روش آن‌هاست. / **ب** دانش علمی تنها از راه حس و تجربه و به صورت نظام‌مند به دست می‌آید. / **پ** دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی افراد است و از راه جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به دست می‌آید. / **ت** دانش علمی تجربی راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر است. / **ث** دانش عمومی در مقابل دانش علمی از ارزش ناچیزی برخوردار است. / **ج** دانش علمی برای حفظ هویت خود باید از ورود دانش عمومی به قلمرو علم جلوگیری کند. ویژگی‌های دیدگاه دوم: **الف** در تقابل با رویکرد اول این تفکیک را که دانش علمی راه کشف واقعیت و دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی است، انکار می‌کند. / **ب** همه دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند. / **پ** دانش‌ها بازسازی واقعیت هستند. / **ت** برتری دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌داند. / **ث** دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله دانش تجربی می‌داند. / **ج** در برخی از نحل‌های این دیدگاه، مرز دانش علمی و دانش عمومی فرو می‌پاشد.

ویژگی‌های دیدگاه سوم: **الف** دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود. / **ب** دانش علمی شامل دانش‌های فراجربی (عقلانی و وحیانی) نیز می‌شود. / **پ** هر کدام از دانش‌ها، ملاک سنجش و اعتباریابی خاص خود را دارد. / **ت** دانش عمومی، دانشی غیرموقت و نامعتبر نیست. / **ث** کم‌وبیش در دانش‌های حقیقی و صحیح نیز وجود دارد. / **ج** دانش علمی به دلیل امکان اعتباریابی، نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است. / **چ** دانش علمی ضمن ریشه‌داشتن در دانش عمومی، امکان انتقاد از دانش عمومی و تصحیح آن را دارد. / **ح** دانش عمومی و دانش علمی رابطه متقابل دارند. بر یکدیگر اثر گذاشته و از هم اثر می‌پذیرند و به مرور متناسب می‌شوند. / **ط** هر دانش علمی با هر دانش عمومی سازگار نیست.

۱۸- گزینه «۲» تصویر، مربوط به دیدگاه دوم است که در پاسخ ۱۷ به طور کامل توضیح داده شد.

۱۹- گزینه «۱» در پاسخ ۱۷ توضیح داده شد.

۲۰- گزینه «۲» در پاسخ ۱۷ توضیح داده شد.

۲۱- گزینه «۴» در پاسخ ۱۷ توضیح داده شد.

۲۲- گزینه «۳» گاهی میان دانش عمومی و دانش علمی یک جهان اجتماعی تعارض‌هایی پدید می‌آید. اعضای جهان اجتماعی برای حل این تعارض‌ها تلاش می‌کنند. تعارض‌ها گاهی با دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاهی با طرح ایده‌های جدید حل می‌شوند.

۲۳- گزینه «۲»

۲۴- گزینه «۱» فلسفه به موجودی خاص مانند موجودات طبیعی، انسانی و اجتماعی نمی‌پردازد، بلکه قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): درست - درست / گزینه (۳): نادرست - نادرست؛ علوم انسانی در مورد کنش‌های انسانی که به آگاهی و اراده انسان وابسته هستند، مطالعه می‌کند و علم پزشکی که زیرمجموعه علوم طبیعی

است به سلامتی و بیماری بدن انسان می‌پردازد. قوانین فلسفه مخصوص همه موجودات است. / گزینه (۴): نادرست - درست؛ پدیده‌های طبیعی به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته نیستند و کنش‌های انسانی مستقل از اراده و اهداف انسان‌ها نیستند؛ بلکه وابسته‌اند. به عبارت دیگر پدیده‌های طبیعی، وابسته به کنش‌ها و اقدامات انسان‌ها نیستند، پدیده‌ها مستقل از کنش‌های انسانی هستند و برعکس تمامی پدیده‌های انسانی و اجتماعی وابسته به کنش‌های انسانی هستند.

۲۵- گزینه «۴» فلسفه قوانین کلی همه موجودات را شناسایی می‌کند ولی علوم انسانی و علوم طبیعی به موجودی خاص می‌پردازند.

۲۶- گزینه «۳» موضوع فلسفه اصل وجود است؛ یعنی به موجودی خاص نمی‌پردازد بلکه قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند.

موضوع علوم انسانی عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است و علوم اجتماعی خود بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شوند، ولی برخی از علوم انسانی در زمره علوم اجتماعی نیستند.

۲۷- گزینه «۳» علوم انسانی: روان‌شناسی، علم اخلاق

علوم اجتماعی: مردم‌شناسی علوم طبیعی: نجوم

۲۸- گزینه «۲» علوم انسانی شیوه استفاده صحیح از علوم طبیعی و دانش‌های ابزاری را نشان می‌دهد. علوم طبیعی وسیله رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): درست - درست / گزینه (۳): درست - نادرست؛ پیش‌بینی حوادث طبیعی از فواید علوم طبیعی است، اما پیش‌بینی کنش‌های انسانی از فواید علوم انسانی و اجتماعی است. / گزینه (۴): نادرست - درست؛ شناخت طبیعت از فواید علوم طبیعی و شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها از فواید علوم اجتماعی است.

۲۹- گزینه «۴» علوم انسانی به دلیل این‌که به درک معانی کنش‌های انسان‌ها می‌پردازند، علوم تفهیمی نامیده می‌شوند و از این نظر که به انتقاد از کنش‌های ناپسند آدمیان می‌پردازند، علوم انتقادی گفته می‌شوند. جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه‌شناسی تفسیری و جامعه‌شناسی انتقادی سه رویکرد اصلی جامعه‌شناسی‌اند.

۳۰- گزینه «۳» علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن‌ها ابزار بهره‌مندی انسان از طبیعت و وسیله غلبه او بر محدودیت‌های طبیعی‌اند. علوم اجتماعی دانش‌هایی هستند که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر شیوه زندگی ما و اثرپذیری آن‌ها از کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کنند.

۳۱- گزینه «۴» قدرت پیش‌بینی علوم اجتماعی (نه علوم طبیعی) به دلیل آگاهانه و ارادی بودن کنش‌ها و سایر پدیده‌های اجتماعی و تنوع آن‌ها، از پیچیدگی بیشتری نسبت به علوم طبیعی برخوردار است.

۳۲- گزینه «۲» علوم اجتماعی زمینه فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف را از یکدیگر فراهم می‌سازند و به افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها کمک می‌کنند.

۳۳- گزینه «۴» در جامعه‌شناسی براساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، رویکردهای مختلفی شکل گرفته است.

۳۴- گزینه «۳» اگر رویکرد جهان متجدد از علم به جوامع دیگری که علاوه بر علوم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند، سرایت کند، تعارضاتی را در ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد. (۱۳)

به سبب آگاهانه و ارادی بودن کنش‌ها و سایر پدیده‌های اجتماعی و تنوع آن‌ها، پیش‌بینی در علوم اجتماعی پیچیده‌تر از علوم طبیعی است.

علوم اجتماعی درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند از طبیعت و علوم طبیعی به شیوه صحیح استفاده کنند.